

1-Review

Context

دراز کشیده بودم کنار ساحل، به رادیو گوش می کردم یهو یی شنیدم یکی داشت داد می زد.

I was lying on the beach, listening to the radio when suddenly I heard someone shouting.

شکی درش نیست، دیشب دیدم مادرت رفت.

No doubt in it, I saw your mother go last night.

دیدي برادرت داشت گریه می کرد؟

Did you hear your brother crying?

پریدم، دویدم بیرون یهو دیدم ی نفر پولم رو برداشت.

I jumped up, ran out when suddenly I saw someone take my money.

می شه پیچ گوشتی رو برسونی بدست همکارم توی انباری؟

Could you take the screw driver over to my colleague in the stock room?

می دونی چه کردی؟

Do you know what you have done?

می دونی دیشب چیکار کردی؟

Do you know what you did last night?

شور بنظر می رسه.

It tastes salty.

فیلمه بنظر ترسناکه.

The film sounds horror.

داری بهم دروغ می گی، دیشب دیدم منشیم رو بوس کردی

You are telling me a lie; I saw you kiss my secretary last night.

شنیدم ی نفر در می زد.

I heard somebody knock the door.

شنیدم ی نفر داشت در می زد.

I heard someone knocking the door.

خبرها رو شنیدی؟

Have you heard the news?

ازم دعوت شده که در این جشنواره شرکت کنم.

I have been invited to attend this festival.

تبریک می گم، خیلی خوشحالم می شنومش.

Congratulations, I am very happy to hear that.

توی اتاقم نشسته بودم، تلویزیون نگاه می کردم که یهو شنیدم ی نفر طبقه دوم داره راه می ره.

I was sitting in my room, watching T.V, when suddenly I heard someone walking on the second floor.

بهتره نگران نباشی.

You had better not worry.

جوری در رو بستم که نتونه بازش کنه.

I have locked the door so that he can't open it.

می شه جوری توضیح بدی بفهمم؟

Could you explain so that I can understand?

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions. Let's start.

Vocabulary

ترسناک

Horror

2-How do you like the bicycle conversation

Context

نظرت در مورد دوچرخه چیه؟

How do you like the bicycle?

استیک چگونه؟

How do you like the steak?

تی شرت چگونه؟

How do you like the T-shirt?

اتاق چگونه، برات رزروش کردم.

How do you like this room? I have reserved it for you.

می شه کولر رو زیاد کنی؟

Could you turn up the AC?

کولر رو زیاد کردم، دما چگونه؟

I have turned up the AC, how do you like the temperature?

آشپزیم چگونه؟

How do you like my cooking?

مزش چگونه؟

How do you like the taste?

سایزش چگونه؟

How do you like the size?

رنگش چگونه؟

How do you like the color?

این رکورد رو برای کلاس خریدم، این رکورده چگونه؟

I have bought this recorder for the class. How do you like this recorder?

فلان چیز چگونه == نظرت درباره فلان چیز چیه

گارسون در رستوران میپرسد:

How do you like your stake?

معنی اشتباه: استیکت رو چگونه دوست داری؟

معنی درست: نظرت راجب استیک چیه؟

How would you like your stake?

استیکت رو چگونه دوست داری؟

بهم می آید؟

بر اساس معنی فعل "به کسی آمدن"،

زمان یا حال ساده است یا گذشته ساده

Does it suit me?

این رنگ بهم می آید؟

Does this color suit me?

این رنگ بهت می آید.

This color suits you.

این مدل مو بهت می آید.

This hair style suits you.

این مدل مو بهم می آید؟

Does this hair style suit me?

این رنگ چگونه؟ بهم می آید؟

How do you like this color? Does it suit me?

فیلم رو دیدی؟

Have you seen the film?

تا حالا سه بار دیدمش.

I have already seen it 3 times.

فیلمه چگونه؟

How do you like the film?

فیلمه چگونه بود؟

How **did** you like the film?

مهمونی دیشب چگونه بود؟

How did you like the party last night?

دوچرخه ای که برات خریدمش چگونه بود؟

How do you like the **bicycle i have** bought it for you?

خوبه.

It's fine.

معرکه هست.

It's fabulous.

محشره.

It's fantastic

خیلی سنگین نیست؟

It isn't too heavy?

خیلی گشاده.

It's too loose.

خیلی تنگه.

It's too tight.

خیلی کوتاهه.

It's very short.

خیلی کوتاهیه.

It's too short.

خیلی بلنده.

It's too long.

خیلی بلنده.

It's very long.

خیلی شوره.

It's too salty.

نه، اصلاً / قابل نداره (کاری نکردم)

No, not at all.

اصلاً تا بحال سیگار نکشیدم.

I have never smoked cigarette.

می شه از من و خانمم یه عکس بگیرید؟

too

"بیش از حد" محرک ضعیفیه و در ذهن جرقه

نمیخوره، برای حل این مشکل

خیلی با مفهوم بیش از حد too == خیلی very

This tea is too hot to drink.

This tea it very hot I like it.

never and ever با not at all فرق

سمت راستی ها برای فعل اند

سمت چپی برای اسم یا صفت است

Could you take a photo of me and my wife?

بله، البته.

Yes, of course.

واقعاً متأسفم وقتتون رو گرفتم.

I am really sorry for taking your time.

کاری نکردم.

Not at all.

بزرگیش خوبه؟

Is it large enough?

ضخامتش برات خوبه؟

Is it thick enough?

گشادیش برات خوبه؟

Is it loose enough?

خییلی بزرگه.

It's too large.

نمکش خوبه؟

Is it salty enough?

خییلی سنگین نیست؟

Is it too heavy?

Vocabulary

فروشنده

Attendant

معرکه

Fabulous

محشر

enough

به اندازه کافی، محرک ضعیفیه

محرک خوب، صفتیش خوبه؟؟؟

Fantastic

گشاد

Loose

ضخيم / كلفت

Tick

Conversation text

A: When do you want to leave?

B: I don't know, whenever you would like to leave, is fine to me.

A: You haven't got any strong feeling about it.

B: No, not really. It makes no different.

3-I wouldn't want it any larger

Context

استیک می خوام.

I want a steak.

استیک خواستم.

I wanted a steak.

استیک می خواستم.

I would want a steak.

پدرم رسید.

My father arrived.

پدرم رسیده.

My father has arrived.

با پدرم صحبت کردم

I have spoken with your father.

با پدرم دیشب صحبت کردم

I spoke with your father last night.

اینجا موند. مادرت

Your mother stayed here.

اینجا مونده. مادرت

Your mother has stayed here.

فیلم رو ندیدم.

I haven't seen this film.

فیلم رو دیشب ندیدم.

I didn't see this film last night.

پدرم توی قسمت کارگزینی کار کرد.

آینده در گذشته:

would in "would like" and would in "future in past" are two different things. یکیش فعل کمکیه یکیش مال خود لغته.

برای صرف فعل "خواستن" در آینده در گذشته از وانت استفاده کنید که سمی مثل تولید نشه would would like

I want a stake شما در ساعت 7 میگی

گارسون ساعت 7 ونیم برات پاستا میاره، شما باید بگی "من استیک میخوام" I would want a stake به این میگیم آینده در گذشته

کاربرد آینده در گذشته:

جملات شرطی نوع

نکته محرک طلایی:

رو به صورت "می" تصور کن که به فعل گذشته میچسبه (دقیقا مانند گذشته استمراری و متفاوت با می حال would ساده)

گفت (گذشته ساده) و می گفت (اینده در گذشته یا گذشته استمراری) و می گه (حال ساده)

خواست و می خواست و می خواد

خورد و می خورد و می خوره

تفاوت آینده در گذشته با گذشته استمراری:

گذشته استمراری را با محرک "داشت" میگیم

My father worked in the staff department.

پدرم توی قسمت کارگزینی کار کرده.

My father has worked in the staff department.

بهش گفتم.

I have told him.

دیشب بهش گفتم.

I told him last night.

نیومده.

He hasn't come.

نیومد.

He didn't come.

نمی اومد.

He wouldn't come.

استیک خواستم.

I **wanted** a steak.

استیک می خواستم.

I would want a steak.

در رو قفل کردم.

I have locked the door.

دیشب در رو قفل کردم.

I locked the door last night.

در رو قفل می کردم.

I would lock the door.

در رو قفل نمی کردم.

I wouldn't lock the door.

تمرین:
جملات آینده در گذشته را در قالب
زیر بنادر تا کاربردش رو بفهمی
اگر من ... بودم فلان کارو میکردم

اینجا زندگی کرده.

He has lived here.

اینجا زندگی کرد.

He lived here.

اینجا زندگی می کرد.

He would live here.

فکر کردم

I have thought.

دیشب فکر کردم.

I thought last night.

فکر می کردم.

I would think.

خونه نرفت.

He didn't go home.

خونه نرفته.

He hasn't gone home.

نمی رفت خونه.

He wouldn't go home.

اینجا نموند.

He didn't stay here.

اینجا نمونده.

He hasn't stayed here.

نمی موند اینجا.

He wouldn't stay here.

چرا دیشب خونه نیومدی؟

Why didn't you come home last night?

چرا نیومدی خونه؟

Why haven't you come home?

چرا نمی اومدی خونه؟

Why wouldn't you come home?

پدرم نداشت بمونم.

My father **didn't let** me stay.

پدرم نمی داشت اینجا بمونم.

My father wouldn't let me stay here.

نفهمید.

He didn't understand.

نمی فهمید.

He wouldn't understand.

اگر برادرت گفته بود اینجا می موندم.

If your brother said I would stay here.

ای کاش می گفت.

I wish he would say.

از این بزرگتر نمی خواستم.

صفت تفضیلی + any
از این صفت تر

I wouldn't want it any larger.

از این کوچکتر نمی خواستم.

I wouldn't want it any smaller.

از این قشنگتر نمی خواستم.

I wouldn't want it any more beautiful.

صندلی چگونه؟

How do you like the chair?

از این راحتتر نمی خواستم.

I wouldn't want it any more comfortable.

از این بهتر نمی خواستم.

I wouldn't want it any better.

از این بزرگتر نمی خواستم.

I wouldn't want it any larger.

ازش راضی هستی.

to be + satisfied + with

You are satisfied with it.

ازش راضی هستی، منظور اینه که

You mean to say, you are satisfied with it.

از زندگیم راضی هستم.

I am satisfied with my life.

از زندگیت راضی هستی؟

Are you satisfied with your life?

خواهرت از شغلش راضیه؟

Is your sister satisfied with her life?

از شوهرم راضی هستم.

I am satisfied with my husband.

یعنی میخواهی بگی.

You mean to say

این دقیقاً همونیه که می خواستم.

It's **just** what I would want.

این دقیقاً همونیه که توی ذهنم داشتم.

It's **just what I** had in mind.

این دقیقاً همونی هست که دیدم.

حالت خاصی از قانون دابلو اچ رابط بین دو جمله
که جمله دوم میتواندست هر زمانی باشد به شرطیکه
خبری باشد نه سوالی

It's just what I have seen it.

این دقیقاً همونیه که دیشب دیدم.

It's just what I saw last night.

این دقیقاً همونیه که من خریدم.

It's just what I have bought.

این دقیقاً همونیه که من پارسال خریدم.

It's just what I bought last year.

این دقیقاً همونیه که بهت گفتم.

It's just what I have told you.

این دقیقاً همون چیزیه که دیشب توی مهمونی بهت گفتم.

It's just what I told you at the party last night.

کجا پیدااش کردی؟

Where have you found it?

دیشب کجا پیدااش کردی؟

Where did you find it last night?

این دقیقاً همون چیزیه که گمش کردم.

It's just what I have lost.

این دقیقاً همون چیزیه که پارسال گمش کردم.

It's just what I lost last year.

این دقیقاً همون چیزیه که دارم دنبالش می گردم.

It's just what I am looking for.

این دقیقاً همون چیزیه که دو ساله دارم دنبالش می گردم.

It's just what I have been looking for 2 years.

این دقیقاً همون چیزیه که داشتم دنبالش می گشتم.

It's just what I was looking for.

این دقیقاً همون چیزیه که می خواستم.

It's just what the doctor ordered تحت الفظی == It is just what i would want اصطلاح

چرا سیگار کشیدن رو کنار نمی داری؟

Why don't you stop smoking?

این دقیقاً همون چیزیه که می خواستم بگم. (منم همین رو می خواستم بگم)

You have taken the words out of my mouth تحت الفظی == It is just what i would want to say اصطلاح

دمت گرم / قربون دهنه (از نظر گفتاری)

You can say that again.

دمت گرم (از نظر اجرای کار) (مثلاً یه نفر گل می زنه می گوییم عجب گلی دمش گرم)

I must hand it to you.

نوک زبونمه.

It's on the tip of my tongue.

بهتر از این فکر نمی کردم.

I wouldn't think about it any better.

Vocabulary

دقیقاً

Exactly

دقیقاً / فقط

Just

نوک (نوک هر چی که بصورت افقی قرار گرفته مثل نوک زبان)

Tip

نوک (نوک هر چی که بصورت عمودی قرار گرفته مثل نوک کوه)

Top

به معنی انعام هم است tip

عاقل

Wise

این همون چیزیه که می خواستم

It's just what the doctor ordered.

این دقیقاً همون چیزیه که می خواستم بگم. (منم همین رو می خواستم بگم)

You have taken the words out of my mouth

دمت گرم / قربون دهنتم (از نظر گفتاری)

You can say that again.

دمت گرم (از نظر اجرای کار) (مثلاً یه نفر گل می زنه می گوییم عجب گلی دمش گرم)

I must hand it to you.

نوک زبونمه.

It's on the tip of my tongue.

Proverb

از در دروازه توو نمی ره از سر سوزن توو می ره.

He is a penny wise, pound foolish.